

پرنان و بوسه آن در شعر خاقانی

(ص ۲۹۲ - ۲۸۵)

علی عسکری^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۱۲/۱۰

تاریخ پذیرش قطعی: ۹۱/۳/۲۰

چکیده

یکی از مسائل و موضوعات مهم مطرح در شعر و ادب فارسی به ویژه در دو سبک و مکتب آذربایجانی و هندی، فرهنگ عامه و اعتقادات و مسائل و مظاهر زندگی مردم است که به دلیل عدم تحقیق جامع و کافی درباره آنها و کمبود منابع معمولاً در شرح و تفسیر آنها برداشتهای گوناگون و گاهی نادرستی میشود. یکی از این موارد، تعبیر «پرنان» و بوسه پرنان است که در دو بیت از خاقانی آمده است و استادانی که به شرح و توضیح اشعار خاقانی پرداخته‌اند آن را به معنی ریزه کوچک و قطعه نازکی از نان و یا کناره نان معنی کرده‌اند و در تعبیر «بوسه زن چون پرنان» یا «بوسه چون پرنان زدن» فاعل را شخص انسانی گرفته‌اند اما به عقیده ما «پرنان» به معنی دسته‌ای از پر مرغ است که با نخ بسته میشود و در گذشته به ویژه در مناطق روستایی که شخصاً در منزل نان پخت میکردند برای نقش و نشان کردن نان آن را روی خمیر نان میکوبیدند و در تعبیر بوسه پرنان نیز به عقیده ما فاعل فعل به طریق استعاره مکنیه از نوع تشخیص، خود پرنان است که عمل کوبیده شدن آن بر روی خمیر و تماس حاصل کردن با آن، به بوسه تعبیر شده است.

کلمات کلیدی

خاقانی، فرهنگ عامه، پرنان، بوسه پرنان

مقدمه

ادبیات غنی و پر بار فارسی همیشه بستر و جلوه‌گاه گسترده‌ترین عناصر و اندیشه‌ها در طول تاریخ بوده که بخشی از محتوای آن بویژه در اشعار گذشتگان ما، انعکاس آداب و رسوم، فرهنگ، تمدن و مسائل و مظاهر مختلف زندگی مردم است. در برخی دوره‌ها و سبک‌های شعر فارسی از جمله سبک آذربایجانی و هندی، آداب و رسوم و اعتقادات و فرهنگ عامه و مسائل و مظاهر زندگی آنان انعکاس قابل توجهی داشته و این امر در مقایسه با دیگر دوره‌های شعر فارسی یکی از ویژگی‌های سبکی این دو دوره محسوب می‌شود و شاعران این دو سبک و مکتب برای بیان مقصود و انتقال پیام خود و یا ارائه تصویب‌های شاعرانه از آداب و رسوم و اعتقادات عامه و مظاهر و مسائل مختلف زندگی مردم بهره‌های فراوانی گرفته‌اند بطوری که درک و فهم درست اشعار آنها برای امروزه‌ها در گرو دانستن این مطالب و مسائل است. در این میان برخی مسائل عمومیت بیشتری دارد و در بسیاری از مناطق و دوره‌های مختلف نشانه‌هایی از آنها دیده می‌شود ولی برخی از آنها به مناطق خاص یا دوره‌های خاصی مربوط می‌شود که درک و فهم این موارد دشوارتر از گروه اول است.

از طرفی، اشعار شاعران ما در طول تاریخ هزار و دویست ساله ادبیات فارسی، هیچگاه همانند و همسان نبوده و از جنبه‌های مختلف موضوعی، محتوایی، زبانی، ادبی و ... تفاوت‌های بسیاری با هم داشته‌اند، بنابراین درک و فهم و تحلیل آنها نیز نیازمند آگاهی‌ها و اطلاعات همانند و همسان نیست. درک و فهم بسیاری از اشعار شاعران بویژه شاعران متوسط و ضعیف برای عموم مردم حتی افراد کم سواد آسان است و اطلاعات ویژه و خاصی را نمی‌طلبد. اما اشعار زیادی نیز وجود دارد که عموماً متعلق به شاعران خلاق و طراز اول است و درک و فهم آنها علاوه بر اطلاعات زبانی، دستوری، لغوی و ادبی که جنبه عمومی دارد، اطلاعات خاصی را نیز می‌طلبد، از قبیل اطلاعات تاریخی و مذهبی برای درک و فهم تلمیحات گوناگون ملی یا دینی، اطلاعات مربوط به فولکلور و اعتقادات عامه، آگاهی از اصطلاحات برخی علوم از قبیل نجوم، پزشکی، فلسفه، کلام، عرفان و ... در میان همین اطلاعات خاص که دریافت آنها تنها از عهده اهل مطالعه و تحقیق برمی‌آید، دریافت برخی از آنها دشوارتر از بقیه است. مثلاً معنی یک اصطلاح نجومی یا فلسفی یا عرفانی را به راحتی میتوان از یک لغت‌نامه یا فرهنگ مخصوص آن اصطلاحات پیدا کرد ولی مثلاً مسائل و موضوعات مربوط به فرهنگ و زندگی عامه را با راحتی نمیتوان در منابع مکتوب یافت و حتی به برخی از آنها اصلاً در هیچ جا اشاره‌ای نشده است، به همین دلیل برداشتهای مختلفی از آنها میشود.



موضوع مقاله ما نیز در ارتباط با همین مسأله است و به یکی از جلوه‌ها و مظاهر زندگی رایج در ادوار گذشته بویژه در میان روستائیان مربوط میشود و هم اکنون نیز در برخی مناطق روستایی کاربرد دارد و آن، تعبیر «پرنان» و استفاده از پر پرنندگان در شکل دادن و تزئین نانهای سنتی است. به این تعبیر فقط دوبار در شعر خاقانی اشاره شده است و در جای دیگری به نظر نگارنده نرسیده است. آن دو بیت عبارتند از:

لب خویش از پی نان چون «پرنان»
بوسه زن از پی سلطان چه کنم؟

(دیوان، ص ۲۵۲)

به بوی دو نان پیش دونان شدی
زدی بوسه چون «پرنان» عنصری

(دیوان، ص ۹۲۶)

از این تعبیر در کتابها و آثاری که در شرح و توضیح اشعار و مشکلات دیوان خاقانی نوشته شده، یا شرح و سخنی به میان نیامده و یا برداشتهای متفاوتی از آن شده است. استاد دکتر سجّادی در «فرهنگ لغات و تعبیرات دیوان خاقانی شروانی» پرنان را به معنی ریزه کوچک و قطعه نازکی از نان معنی کرده است و همین دو بیت را به عنوان شاهد نقل کرده است. (سجّادی، ۱۳۸۲، ۲۱۸)

استاد دکتر کزّازی در کتاب «گزارش دشواریهای دیوان خاقانی» پرنان را کناره نان معنی کرده است و در توضیح بیت اول (لب خویش...) چنین آورده است:

خاقانی لب خویش را چون کناره نان بوسه میزند و با خرسندی و کمجویی می‌زید، پس نیازی به رفتن نزد پادشاه و بوسه زدن بر درگاه او ندارد. (کزّازی، ۱۳۸۵، ۴۲۴)

ابهام و اشکال این معنی این است که اولاً چگونه انسان لب خود را می‌بوسد، دوم اینکه بوسیدن لب خود چه ارتباطی به خرسندی و کمجویی دارد. مهمتر از همه طبق این معنی برداشت، خاقانی با استفهام انکاری میگوید من چرا باید به خاطر سلطان لب خود را چون پر و کناره نان ببوسم؛ یعنی تأکید بر نبوسیدن لب خویش است نه بوسیدن آن.

حتی استاد بزرگ ما، زنده یاد دکتر سید جعفر شهیدی نیز که در دوره دکتری در سال ۷۵، درس «تحقیق در متون نظم فارسی» را به همراه دو درس دیگر با ایشان داشتیم، پرنان را به همین معانی گرفته بودند و بنده نظر خود را که در ادامه می‌آید، در محضرشان عرض کرده بودم و ایشان در آن جلسه فقط به آن گوش داده بودند، بدون این که آن را رد یا قبول کنند.

در آثار استادان و بزرگان دیگر که کتابهای ارزنده‌ای در شرح و توضیح اشعار، مشکلات و اصطلاحات دیوان خاقانی نگاشته‌اند، مانند دکتر ماهیار، دکتر معصومه معدن‌کن مطلبی در این باره دیده نمی‌شود.

در فرهنگهای معتبری چون فرهنگ فارسی معین، فرهنگ سخن، فرهنگ آندراج، فرهنگ نفیسی، برهان قاطع، و همچنین فرهنگنامه شعری از دکتر عفیفی نیز مطلبی درباره «پرنان» نیامده است و در آنها فقط به معنی «پر» اشاره شده که بدین شرح است:

پر: دامن و کناره هر چیز (برهان قاطع و معین)، دامن و کناره هر چیزی و آن را پره نیز گویند (آندراج و جهانگیری)، کنار، دامن و کناره و حاشیه (فرهنگ نفیسی)

در لغت نامه دهخدا درباره معانی «پر» آمده است: ریزه‌های چیزی چون کاه و مانند آن || پر، پره: دامن و کنار هر چیز: پر بیابان، پره بیابان، پر بینی، پر کلاه. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۵۴۴۸)

به نظر میرسد توضیح دکتر سجادی از معنی اول پر در لغت‌نامه دهخدا برداشت شده است و توضیح دکتر کزازی از معنی دوم آن.

اما در ادامه معانی واژه «پر» در لغت نامه دهخدا، دقیقاً تعبیر «پرنان» به صورت جداگانه و با اشاره به معادل عربی آن، البته بدون شاهد مثال آمده است که ظاهراً استادان مذکور به آن توجه نکردند. توضیح لغت نامه دهخدا چنین است:

پرنان: دسته پر دم مرغ که از آن کلیچه و نان را نشان کنند (به نقل از منتهی‌الارب در ذیل منسغه). (همان، ص ۵۴۴۹)

در عربی نیز «منسغه» به معنی دسته‌ای از پر دم مرغ یا آلتی آهنی است که با آن نان را نقش کنند و نَسَغَ الخُبْزَةَ یعنی با منسغه نان را نشان کرد. (سیاح، ۱۳۷۰، ۱۵۹۲)

بنابراین پری که در ارتباط با نان کاربرد داشت حدود یک مشت پر دم مرغ یا خروس بود که با نخ‌های آنها را در یک دسته گرد به هم می‌بستند و این دسته پر کاملاً در مشت زنان روستایی جا می‌گرفت و با کوبیدن ته این دسته پر که حالت استخوانی و نوک تیز و شباهت به میخ دارد بر روی خمیر نان، نقشهای نقطه نقطه ایجاد میکردند. تقریباً برای تمام کسانی که زندگی روستایی را تجربه کرده‌اند این معنی کاملاً آشکار است و در صحت و قبول آن تردیدی ندارند و نگارنده نیز از آنجا که دوران کودکی خود را در روستا سپری کرده است از نزدیک پرنان و کاربرد آن را در پختن نان دیده است و در اصطلاح محلی خودمان آن را «نون پر» مینامند. در روستای ما یعنی روستای چالو که از توابع بخش چهاردانگه شهرستان ساری است به طور کلی دو نوع نان پخت میشود. یکی نان نازک یا لواش که به دو شکل گرد و دراز (بیضی شکل) پخته میشود و این نوع نان را عموماً برای

مجالس عروسی یا عزا میپختند. نوع دوم، نان کلفت بود که شکلها و گونه‌های متنوع تری داشت و روی آنها با پرنان یا چنگال یا انگشتان دست نقشهایی ایجاد میکردند. گونه‌های این نان عبارت بودند از: ۱- نان گرد که در اصطلاح محلی به آن «ورام» میگفتند. روی این نان را به شکلهای مختلف نقش و نشان میکردند که عموماً با پرنان در وسط آن نقشهای نقطه نقطه میزدند یا این که با سر چنگال نقشی به شکل صلیب از بالا به پایین و از چپ به راست میکشیدند و نان گویی به چهار قسمت تقسیم میشد و گاهی نیز در همین حالت در داخل چهار قسمت نان با نوک چنگال یا با دسته‌های کوچکتر پرنان، نقش نقطه میگذاشتند. ۲- نان دراز: این نوع نان را حداقل به دو شکل نقش میکردند. یا با انگشتان دست روی آن شیار ایجاد میکردند، شبیه به نان بربری امروزی که به آن در اصطلاح محلی «پنجه کش» میگفتند و یا با سر چنگال دو یا سه ردیف نقش از بالا به پایین روی آن ایجاد میکردند و معمولاً روی این نان را کمی زرده تخم مرغ میزدند تا خوشرنگ و نماتر شود. البته روی هر دو نان گرد و دراز گاهی کنجد نیز میزدند و گاهی نیز در وسط آن مغز گردوی خرد شده میریختند. ۳- نان کاک: درخمیر این نوع نان مقداری شیر و روغن میریختند و آن را معمولاً در جشنها و عروسیها و اعیاد میپختند. اندازه آن نیز کوچک و تقریباً به اندازه یک کف دست بود که برای درست کردن آن ابتدا خمیر را با وردنه که در اصطلاح محلی به آن «نون کر یا نون ساز» میگفتند روی تخته پهن میکردند و سپس آن را به اندازه‌های کوچک و به شکلهای مختلف از قبیل مربع، مثلث، لوزی و... برش میدادند و روی آن را عموماً با نوک چنگال نقطه میزدند و یا با کوبیدن دسته کوچک پرنان، وسط آن را نقش میزدند. ۴- نان ماهی تابه‌ای: خمیر این نوع نان را داخل ماهی تابه گرد که آغشته به روغن بود میگذاشتند و روی آتش میپختند و نقشی روی آن نداشت. ۵- کِلوا: کِلوا اصطلاح محلی برای نانی است که چوپانان در صحرا میپختند. در خمیر این نوع نان، شیر و سرشیر میریختند و به علت نبودن تنور، چوپانان آن را در زیر خاکستر اجاق میگذاشتند و میپختند و اندازه آن معمولاً دو یا سه برابر نان گرد خانگی بود. این نوع نان مثل کاک خیلی ترد و خوشمزه و مقوی بود. شکل ظاهری این نان گرد و صاف و ساده بود و در روی آن هیچ نقشی نمیزدند. ۶- نان برنجی: این نان را از آرد برنج تهیه میکردند و شکل آن گرد و اندازه آن تقریباً دو برابر کف دست بود. روی این نان گاهی از پرنان و گاهی با سر چنگال نقش میزدند.

بنابراین استفاده از پرنان در دو نوع نان گرد و همچنین در کاک و نان برنج کاربرد داشت و چنان که گفته شد، ته دسته پرنان را روی خمیر نان میکوبیدند و نقشهای نقطه مانند روی آن می‌افتاد. قطعاً همین کوبیده شدن پرنان روی خمیر نان و تماس حاصل کردن با

آن، در شعر خاقانی به بوسهٔ پرنان تعبیر شده است. بنابراین شرح و توضیح بیت‌های مذکور که در هر دوی آنها عزّت نفس خاقانی مشهود است چنین خواهد بود:

بیت اول

لب خویش از پی نان چون «پرنان»
بوسه زن از پی سلطان چه کنم
(دیوان، ص ۲۵۲)

معنی

چرا به خاطر کسب نان و روزی، مانند دستهٔ پرنان [که پیوسته بر روی خمیر نان بوسه میزند، من نیز] لب خود را بوسه زن سلطان و درگاه سلطان کنم. آرایه‌های به کار رفته در این بیت عبارتند از: واج آرایی در واج «ن»، تناسب بین نان و پرنان و لب و بوسه، تشبیه، مجاز در کلمهٔ نان، استعارهٔ مکنیه از نوع تشخیص از آن جهت که شاعر کوبیده شدن پرنان روی خمیر را به بوسه زدن آن تعبیر نموده و از طرفی پرنان را نیز در تکاپو برای رسیدن به نان تصوّر کرده است.

بیت دوم

به بوی دو نان پیش دو نان شدی
زدی بوسه چون «پرنان» عنصری
(دیوان، ص ۹۴۶)

معنی

عنصری به امید و آرزوی یافتن دو قرص نان، نزد فرومایگان و حاکمان پست میرفت و مانند پرنان [که پیوسته بر روی خمیر نان بوسه میزند]، [دست و پا یا درگاه] آنان را میبوسید. آرایه‌های به کار رفته در این بیت نیز عبارتند از: ایهام در کلمهٔ «بو»، جناس مرگب در واژه‌های دو نان و دونان، مجاز در کلمهٔ نان، تشبیه، استعارهٔ مکنیه از نوع تشخیص. انگیزهٔ خاقانی از آوردن «پرنان» در هر دو بیت قطعاً به خاطر ایجاد تناسب معنایی و تصویری با واژهٔ نان و بوسیدن بوده است و چه واژه‌ای بهتر از پرنان می‌توانست رسالت ارتباط بین نان و بوسیدن را به انجام برساند. ضمناً دقت در تشبیه بیت و توجه به حالت جان بخشی در بوسهٔ پرنان، کلید فهم درست و دقیق بیت است.

نتیجه

با توجه به مطالب عرضه شده، برخی استادان و محققان ما که به شرح و توضیح اشعار خاقانی پرداختند، «پرنان» را در دو بیت مذکور خاقانی، ریزه کوچک و قطعه نازکی از نان و همچنین کناره نان معنی کرده‌اند به دلیل این که از جمله معانی پر یکی ریزه چیزی است مثل پر کاه یعنی ریزه کاه و دیگری دامن و کنار هر چیز است مثل پر بیابان یا پر کلاه یعنی کناره بیابان و کلاه، و باز دلیل دیگری که میتواند منشأ این معنی به ویژه ارتباط بوسه و پرنان بوده باشد حرمت نان در میان مردم ماست که در جوامع سنتی تر هنگام شکستن و میل کردن نان کناره آن را میبوسند و یا اگر تکه نانی در جایی افتاده باشد آن را برمیدارند و میبوسند و در گوشه‌ای میگذارند تا کسی روی آن لگد نکند. اما با توجه به این که در جوامع روستایی بخصوص در گذشته که نانوائیهای امروزی وجود نداشت و هر کسی در خانه خود نان میپخت، برای نقش زدن و تزیین روی نان از وسایل مختلفی از جمله یک دسته پر دم مرغ یا خروس استفاده میکردند که در اصطلاح محلی به آن «نون پر» میگفتند، به عقیده ما پر نان در شعر خاقانی به همین مطلب اشاره دارد که دقیقاً در لغت نامه دهخدا با همین عنوان و همین معنی آمده است و حتی به معادل عربی آن یعنی «مِنْسَعَه» نیز اشاره شده است. ارتباط بوسه پر نان با نان نیز این است که دسته پر نان را در دست میگرفتند و در وسط خمیر نان میزدند و روی آن نقشهای نقطه‌ای ایجاد میکردند و این تماس و برخورد دسته پر نان بر روی خمیر نان منشأ تعبیر بوسه زدن آن بر روی نان شده است. و در تعبیر بوسه پر نان نیز فاعل بوسیدن به طریق استعاره مکنیه از نوع تشخیص، پر نان است نه این که کسی گوشه نان یا تکه نانی را و یا این که لب خود را ببوسد.

منابع

- فرهنگ جهانگیری، انجوی شیرازی، میر جمال الدین (۱۳۵۹)، ویراسته دکتر رحیم عفیفی، مشهد، دانشگاه مشهد.
- آندراج، پادشاه، محمد (۱۳۶۳)، زیر نظر دکتر محمد دبیر سیاقی، تهران، کتاب فروشی خیام .
- برهان قاطع، تبریزی، محمد بن حسین (۱۳۵۷)، به اهتمام دکتر محمد معین، تهران، امیرکبیر
- دیوان خاقانی شروانی، خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل (۱۳۷۳)، به کوشش دکتر ضیاء‌الدین سجّادی، تهران، انتشارات زوّار، چاپ چهارم.
- لغت نامه، دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم، (دوره جدید ۱۵ جلدی).
- فرهنگ لغات و تعبیرات دیوان خاقانی شروانی، سجّادی، سید ضیاء‌الدین (۱۳۸۲)، تهران: چاپ دوم.
- فرهنگ بزرگ جامع نوین عربی - فارسی، سیّاح، احمد (۱۳۷۰)، تهران، کتابفروشی اسلام، چاپ سیزدهم .
- گزارش دشواریهای دیوان خاقانی، کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۸۵)، تهران، نشر مرکز.
- فرهنگ نفیسی، نفیسی، علی اکبر (بی تا)، تهران، کتاب فروشی خیام.